

فهرست دست نویس های فارسی

کتابخانه نافیذپاشا

(استانبول)

سید محمد تقی حسینی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۹۵

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	کتابخانه نافذ پاشا (استانبول)
عنوان و نام پدیدآور	فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه نافذ پاشا / تألیف سیدمحمدتقی حسینی.
مشخصات نشر	تهران سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۸۶ ص.
شابک	978-964-446-442-3
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
موضوع	کتابخانه نافذ پاشا (استانبول) -- فهرست‌ها
موضوع	نسخه‌های خطی فارسی -- ترکیه -- استانبول -- فهرست‌ها
موضوع	Manuscripts, Persian -- Turkey -- Istanbul -- Catalogs
شناسه آروده	حسینی، سیدمحمدتقی، ۱۳۵۷ -، گردآورنده
شناسه آو ده	سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
رده بندی کنگ	۱۳۹۵ ۱۷۹۹/۱۷۶۴۱ Z۶۶۴۱
رده بندی دیویی	۰۱۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۲۲۸۲۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۶-۴۴۲-۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

فهرست دست نویسی فارسی کتابخانه نافذ پاشا

تألیف: سید محمد تقی حسینی

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / چاپ اول ۱۳۹۵

چاپ و صحافی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مهدی ادیبی، علی رمضان زاده

ناظر فنی: پرویز بختیاری

طراح جلد، صفحه آرای: شهره خوری، میثم رادمهر

بها: ۲۷۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی

دفتر فروش: ۸۱۶۲۳۳۲۷-۸۱۶۲۳۳۱۵ داورنگار: ۸۱۶۲۳۳۰۱

وب‌گاه: www.nlai.ir پست الکترونیک انتشارات: Publication@nlai.ir

سخن ناشر

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ و نشر آثار علمی و تخصصی مرتبط با علم اطلاعات و دانش‌شناسی، علوم آرشیوی و اسنادی، ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، نسخه‌های خطی، تاریخ شفاهی و... را که عمدتاً مورد نیاز و استفاده کتابخانه‌ها و آرشیوها و مراکز اسنادی، و نیز نهادهای آموزشی و پژوهشی هستند برعهده دارد.

خط‌مشی انتشاراتی سازمان در این زمینه، اولویت چاپ کتب علمی و تخصصی مانند سرعنوان‌های موضوعی، گسترش‌ها و رده‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها، دستنامه‌ها، مستندها، مآخذشناسی‌ها، فهرست‌ها و... و نیز احیاء و چاپ منابع کادر و نفیس از جمله نسخ خطی و نشریات قدیمی و... است.

یکی از اقدامات این انتشارات که به منظور گسترش و تقویت فعالیت در زمینه‌های یاد شده صورت می‌پذیرد، همکاری با سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در حمایت و تأمین شرایط و امکانات چاپ و نشر کتاب‌ها و مقالات و دستاوردهای علمی و پژوهشی است که اثر حاضر یکی از گونه‌های آن است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۲۱	فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه نافذ پاشا
۲۵۷	نویسندگان
۲۶۳	کتاب‌ها
۲۶۹	کاتبان
۲۷۳	تاریخ کتابت
۲۷۷	محل کتابت
۲۷۹	مالکان نسخ
۲۸۳	واقفان
۲۸۵	برخی یادداشتهای
۲۸۷	آرایه‌ها
۲۸۹	تصاویر

پیشگفتار

جاذبه نسخه های خطی اسلامی - ایرانی که محصول فکر و اندیشه و دانش نیاکان ما هستند در طول تاریخ مثل طاق فراروانی از دانشمندان، محققان مجموعه داران و مراکز فرهنگی کوچک و بزرگ دنیا را به دنبال خود کشانده است. اما هنوز این میراث بزرگ علمی و هنری که حاصل عمر فرهنگ اسلامی است آن طور که شایسته آن است مورد معرفی حفاظت و نشر واقع نشده است، کوشش های فراوانی در راه فرهنگ نویسی و شناسایی نسخه های خطی اسلامی در جهان انجام شده است اما با توجه به فراوانی این آثار ارزش زیادی از کار به سرانجام نرسیده است. این مراسم امر لزوم تشکیل ساختاری بزرگتر مانند بنیاد نسخه های خطی اسلامی ایران را روشن می سازد.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بنابه مأموریت خود در حفظ و معرفی نشر ارزش های اسلامی و بهره گیری از ظرفیت های تمدنی برای توسعه روابط فرهنگ ها در سال های اخیر تمرکز بیشتری بر این زمینه داشته است و انتشار فهرست نسخه های خطی چند کشور از جمله ترکیه، روسیه، ازبکستان، پاکستان، هند و... گوشه ای از آن به شمار می رود.

مجموعه فهرست نسخ خطی کتابخانه نافذ پاشا در ترکیه - استانبول با حمایت فرهنگی ج.ا.ایران در استانبول و حمایت کتابخانه مرکزی و آرشیو اسناد فرهنگ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران تازه ترین اثر در خصوص شناسایی و معرفی میراث مکتوب اسلامی - ایرانی است و آثار بسیار مهم و نفیس تاریخی و هنری در آن معرفی شده اند.

به یاری خداوند در آینده ای نه چندان دور فهرست دیگری نیز که مراحل اولیه تهیه و نگارش آنها به انجام رسیده است با همکاری مراکز داخلی منتشر خواهند شد. حفاظت و بهره بردای علمی از این میراث گرانقدر در جهت تولید علوم دانش و ساخت نوین اسلامی گامهای بعدی خواهند بود.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، که بهایت، توفیق نگارش فهرست دستنوشته‌های فارسی این کتابخانه نیز نصیب این کدین شد.

بی شک، یکی از دروازه‌های پژوهش، کتاب‌شناسی و فهرستنگاریست؛ و تا این مهم بصورتی مطلوب بانجام نرسد، آنچنان که با و شاید به میراثی که اکنون در نزد ما پنهان است و پوشیده پی نخواهیم برد.

درین میان، سرزمین آناتولی، برای فرهنگ و تمدن ایرانی، جایگاهی والایی دارد، چه پیش از اسلام که سالیان سال جزو خاک و طنمان ایران بود و چه پس از اسلام که تحت نفوذ قدرت فرهنگی ایران بود، و از طریق همین خطه اسکنان به تدریج تا شرق اروپا و مصر گسترده شود.

باری، در طول تاریخ، بدلایلی متعدد، بسیاری از ایرانیان به سرزمین آناتولی مهاجرت کردند، و با این مهاجرت فرهنگ و هنر ایران را نیز انتقال دادند. در مقامی فهارس پیشینی که توفیق نگارش آن را داشتم، برخی ازین علل را بازگو کرده‌ام، و درینجا از تصوف و طریقت مولویه که نقشی بسیار مهم در انتقال میراث فرهنگی ایرانی و حفظ و پاسداشت

۱. از دیرباز اقوام ایرانی درین سرزمین جای گرفته‌اند، همچون فارس‌ها، کردها و زازاها که اکنون در مناطق شرقی و مرکزی آناتولی پرمجمیت‌ترند. علاوه برین حتی تمدنهای کهنی چون هیت‌ها در آناتولی مرکزی و در نزدیکی شهر چروم. از خراجگزاران پادشاهی هخامنشی بودند. و در تخت جمشید نیز جزو ملت‌هایی هستند که در صف اهدای هدیه به پادشاه ایستاده‌اند؛ بنده نیز خود این منطقه باستانی را در مدت اقامتی که در چروم داشتم دیدم که بسیار متأثر از فرهنگ و هنر ایرانی است.

آن در خارج از ایران‌زمین برعهده داشتند سخن خواهم گفت؛ چراکه فهرست کتابخانه پیشرو نیز از کتابخانه‌های مولویه است.

مولویه و مولیخانه

طریقت مولویه، چنانکه از نامش نیز آشکار است، منتسب است به حضرت مولانا، لکن در ابتدا و در روزگار حیات مولانا، چنین مفهومی وجود نداشت، و پس از درگذشت او، طریقت مولویه شکل گرفت. محتمل خود مولانا نیز با جدا سازی و انحصار در طرائق عرفانی - همان موافقتی نداشته؛ چنانکه امیر تاج‌الدین معتز خراسانی - قاضی قونیه - قصد ساخت بنایی بنام دارالعشاق برای دراویش داشت در کنار مدرسه مولانا، اما مولانا مخالفت کرد مبادی که فرستاده بود را پس فرستاد، و آن غزل مشهور را نیز گویا به همین مناسبت سرود:

ما در جهان مواست کردیم غم کنیم
ما خانه زیر گنبد اطلس نمی‌کنیم^۱

اما بعدها و البته با اصرار سلطان - با ساخت چند حجره برای دراویش مسکین موافقت کرد. پس از درگذشت مولانا و جابگیرینی حسام‌الدین چلبی (م: ۶۸۳ق) بر مقام ارشاد پیروان طریقت مولانا، اساس تشکیلات طریقت مولویه نیز شروع به شکل‌گیری کرد؛ گرچه مولانا مخالف ساخت گنبد و بارگاه بود، اما پس از درگذشت او، با تشویق سلطان ولد و نیز حمایت‌های مالی معین‌الدین سلیمان پروانه (م: ۶۱۶ق) حسام‌الدین چلبی امر بر ساخت گنبد و بارگاه بر مزار مولانا، پدر و پسر بزرگ او یعنی معین‌الدین ولد و علاء‌الدین و نیز شیخ صلاح‌الدین زرکوب داد و توسط معمار ایرانی، بدرالدین تبریزی ساخته شد^۲ (مناقب العارفین، ص ۱۴۱، ۱۹۳ و ۳۸۷)، و با ساخت این مقابر و تبدیل آن به زیارتگاه، و آغاز سنت وقف به بارگاه مولانا، اولین قدمها برای تشکیل و تأسیس طریقت مولویه آغاز

۱. کلیات دیوان شمس: بدیع الزمان فروزانفر؛ غزل ۱۷۱۲، ص ۵۰، بنقل از مناقب افلاکی.

۲. صندوق مزار مولانا نیز از طرف معمار عبدالواحد بن سلیم ساخته شده، که گویا او نیز از دستیاران بدرالدین تبریزی در ساخت آرامگاه مولانا بوده. (هنرمندان مسلمان و ترک در آناتولی، از ابتدا تا سده ۱۶م: زکی سونمز)

شد؛ بدین ترتیب برای منسوبان مولانا همچون مثنوی خوانان، سماع زنان، مرشدان، شیوخ و خادمان این طریقت مقرری در نظر گرفته شد.^۱ سلطان ولد (م: ۷۱۲ق) پس از درگذشت حسام‌الدین چلبی در ۶۸۳ق، ارشاد پیروان مولانا را عهده‌دار شد؛ وی برای گسترش افکار پدر خود و نیز افزایش موقوفات و به تبع آن، کسب درآمد بیشتر از موقوفات، ارتباط خوبی با حکام منطقه و سلجوقیان آناتولی و نیز مغولان برقرار کرد، و خلفایی به شهرهای مختلف همچون آماسیه، قرشهر و ارزنجان برای تبلیغ طریقت مولویه ارسال کرد.^۲ پس از جانشینی عارف چلبی (م: ۷۱۹ق)، بر مسند پدر - سلطان ولد - طریقت مولویه به تشکیلاتی منسج و قدرتمند مبدل شد. در زمان او، بارگاه مولانا در قونیه، به مقر اصلی طریقت مولویه تبدیل شد و به سرعت در دیگر شهرها تکیه‌هایی ساخته شد که زیر نظر مولویخانه قونیه هدایت ارشادی شد.

عارف چلبی چه در زمان خلافت پدرش، و چه در زمان خلافت خود بر طریقت مولویه، برای تبلیغ به شهرهای مختلف آناتولی و ایران سفر کرد، و نیز خلفایی به شهرهای اطراف ارسال کرد؛ او با سلطنت تندر وقت همچون ایلخانیان و سلجوقیان و نیز حکام حاکم بر آناتولی همچون قرمانان، آیدین، اغلو، اشرف اغلو، صاحب عطا

۱. مثنوی خوان در اصطلاح طریقت مولویه، کسی که مثنوی را تقریر و شرح می‌کند را می‌گویند؛ نخستین مثنوی خوان هم، همان حسام‌الدین چلبی (۶۸۳ق) است که کاتب مثنوی بوده، ولی این اصطلاح را حسین بار برای مثنوی خوان سراج‌الدین از مریدان عارف چلبی (م: ۷۱۹ق) بکار رفت؛ هنگامی که عارف چلبی برای تبلیغ طریقت مولویه از قونیه خارج شد، مسئولیت خواندن مثنوی را به او سپرد.

۲. هریک از این عناوین، مختص به گروهی از درویش مولویه بود که در بارگاه و آستان مشغول به خدمت بودند. این تشکیلات بعدها چنان پیشرفتی کرد که برای آشپزان و فزاشان و نوازندگان و نظایران هم طبقه و مقامی شکل گرفت.

۳. نخستین مولویخانه آماسیه، توسط علاء‌الدین علی پروانه در ۷۱۴ق ساخته شد. شیخ سلیمان ترکمان و حسام‌الدین ارزنجانی و نظام ارزنجانی (نک‌نسخه ردیف {۱۰۳}) از خلفای سلطان ولد، طریقت مولویه را به قرشهر (گلشهر) و ارزنجان انتقال دادند.

۴. از حکام منطقه غرب آناتولی و دریای اژه، حاکم بر شهرهایی چون آیدین، ازمر، تیره، مؤسس این حاکمیت، مبارزالدین غازلی محمد است که در ۷۱۸ق با فتح آیدین - اعلام استقلال کرد. از جمله حکام شهر این خاندان، عیسی یک است که در ۷۶۱ق بر تخت حکومت نشست. وی مردی ادیب و علاقه‌مند به فرهنگ بود، و در دربار او، شعرا و علمایی از هر قوم و نژادی یافت می‌شد. وی به سال ۷۷۶ق در شهر سلجوق مسجد جامعی بنا نهاد که از نمونه‌های ممتاز هنر معماریست. جلال‌الدین خضربین علی بن خطاب معروف به حاجی پاشا (م: ۸۱۶ق) از فقها و اطباء زمان نیز شرح طوابع الانوار فی علم الکلام (در ۷۸۱ق)، شفاء الاسقام و دواء الاعلام (در ۷۸۲ق) و تسهیل را در طب برای وی نوشت؛ خواجه مسعود بن عثمان نیز تذکره الاولیاء را برای همین سلطان به ترکی ترجمه کرد؛ علاوه برین، جنگی ارزشمند نیز به نظم و نثر، و فارسی و عربی برای او توسط منشی سمرقندی جمع‌آوری و ساخته شد که دوست عزیز جناب موسوی طبری آن را در دست تحقیق و تصحیح دارند.

۵. سیف‌الدین سلیمان یک (م: ۷۰۱ق) از امرای بزرگ سلجوقی، پس از درگذشت سلطان کیخسرو سوم، به عنوان نایب حکومت سلجوقیان برگزیده شد. پس از درگیریها بر سر قدرت، در سال ۶۹۹ق اعلام استقلال کرد. الفصوص الاشرافیة نیز برای پسر او محمد بن سلیمان در ۷۱۰ق در قونیه تألیف شده.

اغلو، منتش اغلو - علی رغم دشمنی‌ها و نزاع‌هایی که میان این حکام بود - ارتباطات خوبی برقرار کرد و توانست حمایت‌های مادی و معنوی ایشان را بدست آورد؛ البته که آموزه‌های مولانا، رغبت حکام و درباریان را به این طریقت برانگیخت و بسیاری بدان انتساب جستند، اما ناگفته نماند که اقبال این آیین در نزد مردم نیز در توجه و انتساب حکام به این آیین بی‌تاثیر نبود^۱.

باری، عارف چلبی با اقدامات خود نقش بسیار مهمی در گسترش طریقت مولویه ایفا کرد. در زمان او آیین و آداب مولویه در شهرهای بسیاری همچون سیواس، توقات، بایررت، ارضروم، تبریز، مرند، خوی و سلطانیه، کوتاهیه، قسطنونی، دنیزلی، افیون - که مرکز حکومت، حکام محلی بودند - گسترش یافت و مولویخانه‌های بسیاری ساخته شد؛ رید بسایر طریقت مولویه و دستورات آن، مشتمل بر افکار و اندیشه‌های مولانا و نیز آداب و رسوم طریقت، همچون ذکر و سماع و پوشش و غیره در مناطق وسیعی انتشار یافت؛ و این طریقت، با افزایش پیروان و نیز موقوفات، به قدرتی مادی و معنوی، و در پی آن قدرت سیاسی دست یافت. ازین پس، عنوان و مقام چلبی نیز، بر اصطلاحات مولویه افزوده شد.

پس از عارف چلبی، بترتیب شمس‌الدین واجد چلبی (م: ۷۳۹ق)، حسام‌الدین واجد چلبی (م: ۷۴۲ق)، امیرعالم چلبی (م: ۷۵۱ق)، ظفاردین چلبی (م: ۷۷۰ق)، امیرعالم چلبی دوم (م: ۷۹۸ق)، محمد امیر عارف چلبی، معروف به عارف ثانی (م: ۸۲۴ق)، پیرعلی عادل چلبی (م: ۸۶۵ق) مقام ارشاد طریقت را عطا داد. بودند که در زمان همین

۱. فخرالدین علی بن حسین معروف به صاحب عطا (م: ۶۸۷ق)، از وزاری بزرگ سرچی. در اثنای کشمکش میان پسران کیشرو دوم - عزالدین کیکاوس، رکن‌الدین قلیچ ارسلان و علاءالدین کیکاو - جانب کیکاوس را گرفت. وی در ۶۵۸ق پس از درگذشت محمود طغرای - وزیر اعظم سلطان کیکاوس دوم - به وزارت رسید. چندین سفر برای مصالحه به ایران و نزد حکام ایلخانی بانجام رساند. در مأموریتی که از طرف سلطان کیکاوس برای مصالحه با برادرش قلیچ ارسلان داشت به آقسرای رفت، منتها در آنجا پیشنهاد قلیچ ارسلان برای وزارت را پذیرفت و نزد او ماند. مدتی به امر سلیمان پروانه در ۶۷۰ق به حبس افتاد؛ در نهایت نصرالدین حسن خندان - پسرش - به حضور اباقاخان ایلخانی راه یافت و نامه‌ای مبنی بر آزادی او دریافت کرد.

۲. مناقب العارفين، آنکارا ۱۹۸۰، ص ۸۲۵-۹۷۴؛ مولویه پس از مولانا: گولپینارلی، استانبول ۱۹۵۳، ص ۶۵-۹۵؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۵۸۹.

۳. برخی از دولتمردان، انتساب به مولویه را برای اموجه نشان دادن خود و برای پوشاندن برخی کارهای خود بکار می‌بردند. که البته رسمی معمول است و در روزگار خود نیز شاهد آنیم. و بسی از ریاکاران و منافقان ازین زمره‌اند، و در ردای دین و تقوا، آن کار دیگر می‌کنند در خلوت؛ باری، حالت افندی را شاید بتوان ازین نمونه‌ها دانست، که بنده در فهرست کتابخانه حالت افندی حکایت آن را بازگو کرده‌ام.

پیرعلی، برای نخستین بار در قلمرو عثمانیان^۱ اولین مولویخانه بسال ۸۲۹ق در ادرنه و در زمان سلطان مراد دوم (م: ۸۵۵ق) تأسیس شد.^۲ پس از پیرعلی، جمال‌الدین چلبی (م: ۹۱۵ق) بر مقام خلافت طریقت مولویه تکیه زد و در زمان او اولین مولویخانه در استانبول بر طبق وقفنامه سلطان محمد فاتح (م: ۸۸۶ق)، در محله وزنه‌جی‌لر - در نزدیکی کتابخانه و مسجد سلیمانیه - با تبدیل موقف کلیسایی باقی مانده از دوران بیزانس به مولویخانه - که اکنون به مسجد قلندرخانه معروف است - به محل جماعت و اجرای آیین و رسوم مولویه شکل گرفت.^۳

اما اولین مولویخانه رسمی در استانبول، در زمان خلافت جمال‌الدین چلبی (م: ۹۱۵ق) بر طریقت مولویه، در زمان سلطان بایزید دوم (م: ۹۱۸ق) و در سال ۸۹۷ق توسط اسکندر، پسر (م: ۹۱۲ق)^۴ ساخته شد که به مولویخانه غلظه مشهور شد و شیخ یونس افندی به شیخ^۵ آن برگزیده شد. با تأسیس این مولویخانه، از اعتبار و اهمیت دیگر مولویخانه‌ها هم چون مولویخانه کوتاهییه، افیون و سیواس کاسته شد، و استانبول و مولویخانه غلظه را پس از آن، به دومین مرکز مهم طریقت مولویه مبدل ساخت.

پس از جمال‌الدین چلبی، خسروچلبی (م: ۹۴۰ق) به مقام ارشاد طریقت می‌رسد. در زمان او همچون روزگار عارف چلبی، طریقت مولویه شایع‌تر شد و انتشار بیشتری شد؛ در کنار فتوحات عثمانیان بر آناتولی و از میان رفتن دیگر حکام این منطقه، و نیز فتح شامات، شرق اروپا، و شمال آفریقا، و همچنین نزدیکی طریقت مولویه به حکومت، باعث سهولت انتقال این طریقت به این مناطق شد.

۱. نکته‌ای که قابل ذکر است، مسأله حکومت در آناتولی است؛ در برخی نوشته‌های معاصرین، چنین استدلال شده که در آناتولی، سلجوقیان بودند و پس از آن نیز عثمانیان بر سر کار آمدند؛ حال آنکه چنین نیست، در برخی از زمان، همزمان چندین دولت، حاکم بر آناتولی بوده‌اند.

۲. این مولویخانه، بفرمان سلطان مراد دوم (م: ۸۵۵ق) در باغچه 'مسجد مرادی' ساخته شد و بنابر روایت شادروان سهیلی اونور در کتاب تاریخ مولویخانه ادرنه، سبب ساخت دیدن مولانا در رویا بود، و نیز آنکه سلطان مراد جلال‌الدین و جمال‌الدین - از

نوادگان مولانا - را به این مولویخانه دعوت کرد. (نک: Edirne Mevlevihane tarihine Giriş, Prof. Dr. Süheyl Ünver / 1962) ۳. وقایع سلطان محمد فاتح؛ آنکارا ۱۹۳۸، ص ۲۵۹. وقفنامه‌ها و دفاتر بایگانی و نیز دفاتر درویشان، از منابع بسیار مهم برای تحقیقات ایرانی هستند، امیدوارم که این قبیل کتابها ترجمه و یا حداقل بصورت عکسی منتشر شوند.

۴. از تباری صرب، که مسلمان شد و از فرماندهان زمان سلطان محمد فاتح، و فرماندار بوسنی؛ وی در ۸۸۸ق به وزارت سلطان بایزید دوم (۹۱۸ق) منصوب شد. وی علاوه بر مولویخانه غلظه، در سال ۹۰۶ق خانقاهی نیز برای طریقت نقشبندی در بوسنی ساخت، و یکسال قبل از مرگ نیز در استانبول، کلیه خود مشتمل بر مسجد و کتابخانه را ساخت.

درین میان، دیوانه محمد چلبی (م: ۹۵۱ق) پسر شیخ عباپوش ولی^۱ (م: ۸۹۰ق) - شیوخ مولویخانه افیون - نقش بسیار مهمی در گسترش طریقت مولویه داشت. وی با دیگر طرائق همچون بکتاشیه در ارتباط بود، و متأثر از آن، به زیارت ائمه اهل بیت در نجف، سامرا، کربلا و نیز مشهد مقدس شتافت. در بازگشت به حلب رفت و با شیخ طریقت وفائیه، ابوبکر الوفائی (م: ۹۹۱ق) از نوادگان ابوالوفا البغدادی (م: ۵۰۱ق) دیدار کرد، از آنجا مجدد به آناتولی رفت و بعد راهی مصر شد و در آنجا موجب آزادی شیخ ابراهیم گلشنی (۹۴۰ق) از حبس می‌شود. وی پس از عارف چلبی (م: ۷۱۹ق)، دومین فرد مؤثر در گسترش مولویه است که توانست با سفر به شهرهای مختلف ایران، عراق، شام، مصر و جزایر، طریقت مولویه را انتقال دهد.^۲

باری، در زمان سلطنت سلطان سلیم اول (م: ۹۲۶ - ۹۱۸ق)، و شیخیت خسروچلبی (م: ۹۶۹ق)، طریقت مولویه - بنان گسترش و اقبالی یافت که بسیاری از امرا و حکام خود دست به احداث «اریخانه» زدند، همچون پیری محمدپاشا وزیر اعظم که در قونیه مولویخانه‌ای بنام خود بنا نهاد، و همچون معطفی پاشا در اسکی شهر، امیر عبدالحمید المرتضی در کلیس، الوان و فولار میرا در حلب، یا کووالی حسن پاشا در پچو، جنابلی احمد پاشا در آنکارا، ولی حسن پاشا در شام، ایرغازی در قدس؛ البته و البته که گسترش بکتاشیه و علویان در آناتولی، موجب آن شد که سلطان سلیم اول برای حفظ تعادل و مقابله با آن، حمایت‌های بسیاری از طریقت مولویه بعمل آورد، و بدین ترتیب، طریقت مولویه، بیشتر از پیش به سیاست و دربار نزدیک شد.^۳

۱. بالی محمد چلبی، مشهور به بالی سلطان و عباپوش ولی، از شهزادگان قریمان است. در کتاب او سلیمان شاه، یا دختر سلطان ولد مطهره خاتون ازدواج کرد بنابراین او از طرف دختری به سلطان ولد می‌رسد. خضرپاشا پدر عباپوش ولی، که سلطان قریمان بود در افیون، بجای رخت سلطنت، عبا، طریقت بروی پوشاند و ازین رو به عباپوش ولی مشهور شد. او مورد توجه حکام و امرا بود علاوه بر مردم. در ۸۹۰ق وفات کرد و در مولویخانه افیون قبر حصار بخاک سپرده شد.
۲. شاهدهی ابراهیم دده (م: ۹۵۷ق) از مریدان اوست و در گلشن اسرار خود اطلاعات مفیدی از او بدست می‌دهد.
۳. وجود طریقت‌های مختلف در آناتولی، از نکات قابل توجه است؛ گاه از طریقتی چند ده شاخه پدیدار شده، همچون طریقت رفاعیه - منتسب به سید احمد رفاعی (۵۷۸ق) - که شاخه‌های بسیاری همچون نریه، عزیه، فناریه، برهانیه، فضلیه، جندلیه، جمیلیه، عطائیه و عمادیه دارد؛ طریقت قادریه - منتسب به عبدالقادر گیلانی (۵۶۱ق) - که بیش از بیست شاخه دارد همچون اسدی، خالصیه، روشیه، هلالیه، غریبیه، عیسویه، اکبری و اشرفیه؛ طریقت خلوتیه - منتسب به عمر خلوتی لامیجی (۸۰۰ق) - که بیش از چهل شاخه دارد همچون جمالیه، شمسیه، روشنیه، احمدیه؛ و دیگر طرائق مهم چون نقشبندی - بهاءالدین نقشبند (م: ۷۹۱ق)، کازرونیه - ابواسحاق کازرونی (م: ۴۲۶ق)، زینی - زین الدین خوافی (م: ۸۳۸ق)، و به اینها بابا الیاس خراسانی (۶۳۷ق) حاجی بکتاش ولی خراسانی (م: ۶۶۹ق) را هم باید افزود. البته از نظر بنده، این انشعابات در طرائق تصوفی در آناتولی، شباهت بسیار دارد به انشعابات حکومتی درین منطقه، همانگونه که -